

درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی

○ یارمحمد بای



○ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی

○ تألیف: ریچارد مویر

○ ترجمه: دره میرحیدر با همکاری سید یحیی صفوی

ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، چاپ اول،

۱۳۸۰، ۵۶۰ ص، ۲۴۰۰۰ ریال، شابک: ۳-۵۱-۶۳۸۳-۹۶۴

رفتاری به عنوان وسیله‌ای برای فهم فرایندهای بینش سیاسی و تصمیم‌گیری که در تغییر محیط نقشی تعیین‌کننده دارند ارزیابی می‌کند.

به عقیده مؤلف اگر چه در جغرافیای سیاسی میزان علاقه به جغرافیای رفتاری کاسته شده، اما گرایش دوران پسامدرن به ساخت‌شکنی و گفتمان موجب پیوندهایی مشخص با سنت این شاخه علمی شده است.

فصل اول کتاب به موضوع سیاست سرزمین و مکان اختصاص یافته است که در آن قلمروخواهی انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به عقیده مؤلف ظهور دکترین مکان با افول تحلیل‌های فضایی همراه بوده است و ظهور جغرافیای انسان‌گرایانه با تأکید بر امور کمیت‌ناپذیر چون ماهیت و منشاء و تأثیرات درک انسان از مکان توجه دارد. مؤلف در این بخش جغرافیای انسانی را بر سه محور اثبات‌گرایانه، انسان‌گرایانه و ساختارگرایانه تقسیم می‌کند. مبنای زیست‌شناختی قلمروخواهی انسان، مهم‌ترین مسئله‌ای است که درباره منازعات موجود میان مالکیت و کنترل فضا مطرح است. نویسنده با الهام از نظرات نویسندگانی چون ژان گاتمن، رابرت ساک و رابرت آردی به این موضوع اشاره دارد که قلمروخواهی انسان به میزان زیادی با هنجارهای فرهنگی و عوامل دیگری که دارای مقیاس و مکان هستند ارتباط دارد و این مسائل سبب می‌شوند که تعمیم یک نظریه بدون رجوع به جامعه و فضا غیرواقعی‌گرایانه باشد. در ادامه مؤلف در این فصل زمانی که به رابطه بین قلمروخواهی و هویت ملی می‌پردازد. مویر بر این باور است که جغرافیای انسانی باید مجدداً توجه خود را به مکان معطوف سازد. در فرمول‌بندی آگینو مکان به مناطق مجزا اگر چه تغییرپذیری اطلاق می‌شود به محدوده‌های روابط اجتماعی که در درون آن قرار دارند و محل هسته جامعه‌شناختی آن را تشکیل می‌دهد.

در فصل دوم کتاب مباحث مربوط به جامعه و فضا، ملت و کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این فصل به تحول‌پذیری رابطه قلمروخواهی انسان و عکس‌العمل عاطفی و کنش او نسبت به مکان در طول تاریخ که همواره سیر تکامل‌پذیری داشته است اشاره می‌شود. به نظر رابرت ساک قلمروخواهی به ادعای یک سازمان یا فردی از جانب سازمان درباره حق

کتاب درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی در نه فصل به رشته تحریر درآمده است. کتاب با پیشگفتار مترجم که خود از اساتید بزرگ این رشته علمی است آغاز می‌شود، به عقیده مترجم، مکان و فضا، بینش سیاسی، تصمیم‌گیری و رابطه متقابل آنها همچنان محورهای اساسی مطالعات جغرافیای سیاسی را تشکیل می‌دهند. کتاب بر اساس دیدگاه انسان‌گرایانه که در آن نقش نیروهای اجتماعی در شکل‌دهی مکان‌ها و فضاها برجسته‌تر شده است، نگرش یافته است. این نگرش جدید از مهم‌ترین تحولات جغرافیای سیاسی در دو دهه اخیر به شمار می‌رود. تحقیقات جغرافی‌دانان سیاسی بر محور ساختارگرایی و اقتصاد سیاسی علاوه بر توسعه ادبیات این رشته علمی سبب پیدایش ژئوپلیتیک انتقادی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوج‌گیری آن در دهه ۱۹۹۰ شده است، به باور مترجم، ژئوپلیتیک انتقادی با به کارگیری مفاهیم نو در راستای دیدگاه پسامدرنیسم ساخت‌شکنی و گفتمان را هدف خود قرار داده و با انتقاد از ژئوپلیتیک سنتی مسیر مطالعاتی خویش را از آن جدا ساخته است. در رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی به جای تمرکز بر شناسایی تأثیر عوامل جغرافیایی بر شکل‌گیری سیاست خارجی، به نقش دولتمردان و کارشناسان امور سیاسی و تصاویر و برداشت‌هایی که آنان از جهان سیاسی در ذهن خود دارند و اینکه این بینش‌ها چگونه بر تفسیر آنها از مکان‌ها و مناطق مختلف تأثیر می‌گذارد توجه دارد.

در دو دهه اخیر جغرافیای سیاسی با رشته‌های علوم سیاسی و روابط سیاسی پیوندی نزدیک‌تر داشته‌اند و از این جهت با جغرافیای سیاسی بی‌طرف و سیاست‌زدایی شده دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تفاوت کرده است.

همچنین مؤلف در مقدمه کتاب به پیدایش زمینه‌های نوسازی در جغرافیای سیاسی از سال ۱۹۷۵ تا توسعه، تکوین و پیشرفت آن اشاره می‌کند. مؤلف انقلاب کمی را به عنوان موج عظیم در جغرافیا تا به امروز در تحولات این رشته علمی چشمگیر ارزیابی می‌کند.

اما با وجود آن، مؤلف برای نوشتن کتاب جغرافیای سیاسی غیر پوزیتیویستی، اجباری در خود نمی‌بیند. نویسنده تحقق چنین موضوعی را در برقراری روابط نزدیک با علوم سیاسی، روابط سیاسی و توجه به رویکردهای

به عقیده مترجم کتاب، ژئوپلیتیک انتقادی با به کارگیری مفاهیم نو در راستای دیدگاه پسامدرنیسم، ساخت شکنی و گفتمان را هدف خود قرار داده و با انتقاد از ژئوپلیتیک سنتی مسیر مطالعاتی خویش را از آن جدا ساخته است

در رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی به جای تمرکز بر شناسایی تأثیر عوامل جغرافیایی بر شکل گیری سیاست خارجی، به نقش دولت مردان و کارشناسان امور سیاسی و تصاویر و برداشتهایی که آنان از جهان سیاسی در ذهن خود دارند و اینکه این بینش ها چگونه بر تفسیر آنها از مکان ها و مناطق مختلف تأثیر می گذارند توجه می شود

محیط جغرافیایی را مورد بررسی قرار دادند. در این فصل مؤلف در ابتدا رویکردهای گوناگون بر روابط بین المللی را پس از جنگ جهانی اول بررسی کرده است که از آن جمله می توان به رویکردهای واقع گرایان و آرمان گرایان اشاره کرد که نخستین مشاجرات روابط بین المللی محسوب می شوند. همچنین رویکرد کثرت گرایان با تأکید بر اصالت اراده انسانی، رویکرد وابستگی، پیروان اقتصاد سیاسی بین الملل یا رویکرد ساختارگرایان اشاره کرد. بررسی نقش محوری قدرت و دیدگاه های مختلف با قدرت و مفهوم چرخه های سلطه و نظام بین الملل و تحلیل آن از رهیافت های مختلف از ویژگی های دیگر این فصل کتاب است. به اعتقاد مؤلف قدرت همچنان در کانون توجهات سیاسی باقی خواهد ماند. نقش مرزها در گفتمان های حاکمیت و تفاوت ملی گرایی های نوین با سابق، جغرافیای سیاسی و جنگ و سیاست، تصمیم و مکان مباحث پایانی این فصل را تشکیل می دهند.

فصل هفتم با عنوان **جغرافیا، حکومت و جهان سوم**، به تحلیل نظریه های وابستگی و دوران پس از امپراتوری، امپریالیسم و مرزهای استعماری با تأکید بر افریقا و نظریات تقسیم این قاره، استعمار داخلی و یکپارچگی سیاسی، استعمارزدایی، حکومت نرم و ازهم پاشیده پرداخته است. فصل هشتم کتاب به موضوع ژئوپلیتیک، نظام های جهانی و جهانی شدن اختصاص یافته است. در ابتدا مؤلف به سنت ژئوپلیتیک و قدمت تفکرات مربوط به آن پرداخته است که در آن به سیر تکوین نظریه های سنتی ژئوپلیتیک توجه شده است.

ظهور ژئوپلیتیک انتقادی و ساخت شکنی تفکرات سنتی و نظریه نظام های جهانی در جغرافیای سیاسی، جهانی شدن و وحدت جهانی از سایر مباحث فصل هشتم کتاب به شمار می رود.

فصل نهم کتاب به موضوع سیاست محیط زیست که امروزه از مباحث جدید حوزه مطالعاتی جغرافیای سیاسی به شمار می رود اختصاص یافته است. در این فصل نقش واقع برنت اسپار در تکامل سیاست سبز، نقش بازیگران خودمختار در عرصه سیاست گذاری زیست محیطی، حاکمیت و بیوسفر، گروه های فشار، احزاب و تصمیم گیری، مساله محیط زیست، درک عمومی از مسایل زیست محیطی، سیاست ها، گروه های فشار و احزاب، سیاست گذاری محیط زیست مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در نتیجه گیری شکل وقایع آینده مؤلف به رویکردهای احتمالی نظام ژئوپلیتیک آینده پرداخته است که از جمله آنها می توان به ظهور موجودیت های سیاسی - اقتصادی مانند مناطق خرد، دولت های سنتی، شهرهای جهانی، ظهور خوسه های ژئواستراتژیک... اشاره کرده.

نظارت بر یک منطقه جغرافیایی اطلاق می شود. پیوند جامعه و مکان در جوامع ابتدایی، ملت ها، ملیت و شهروندی، تفاوت ملت در دیدگاه های سنتی و نوگرایان، کشور و ملت، ملت و سرزمین، کشورهای ملی، تقسیم بندی افقی و عمودی سرزمین، پیوند ملت و سرزمین از جمله مباحث محوری این فصل محسوب می شود.

در فصل سوم تحت عنوان تحولات حکومت، به حکومت های نخستین، حکومت های فئودالی، رابطه جنگ و حکومت، حکومت در قرون وسطی، مراحل گذار از حکومت های فئودالی به سرمایه داری، ماهیت حکومت های فئودال از دوران فئودالیسم تا مدرن، حکومت از دیدگاه لیبرال دموکراسی و مارکسیست های سنتی و آنارشیست ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. فصل چهارم کتاب به کارکردهای حکومت مدرن اختصاص یافته است. فرآیند تحول گفتمان حکومت نگهبان شب به دولت رفاه گستر صنفی، نظریه کارکرد حکومت مدرن **جانستون** در نقش های داوری؛ محافظ، پیونددهنده اجزای جامعه ملی، تسهیل کننده فعالیت ها و سرمایه گذار و نقش دیوان سالاری از اهم موضوعات کلیدی این فصل محسوب می شود. همچنین در این فصل کارکرد حکومت مدرن در نظریه مان (حفظ نظم داخلی، دفاع، نگهداری تأسیسات زیربنایی و توزیع مجدد اقتصادی)، تنوع فضایی دولت های رفاه گستر به همراه نقد و بررسی مشکلات آنها، شامل دولت های رفاه گستر لیبرال، دولت رفاه گستر محافظه کار و شدیداً صنفی گرا، دولت رفاه گستر سوسیال دموکرات، و اینکه آیا فرجام نظام های حکومت ها رو به افول خواهد گذاشت یا اینکه به تداوم حیات خود ادامه خواهد داد اختصاص یافته است.

نقش حکومت در ساماندهی فضای درونی کشور عنوان فصل پنجم کتاب را تشکیل می دهد. مسائل مربوط به دولت و قلمرو شامل مفهوم قلمرو مؤثر ملی، منطقه هسته، منطقه کارآمد کشور، حفره های دولت، مناطق ملال آور، قلمرو حاشیه ای دولت، قلمرو مؤثر حکومت در این فصل مورد مطالعه قرار گرفته اند. نظریات جغرافیایی سیاسی مربوط به محورها و حاشیه ها، رابطه حکومت و مهاجرت و انواع آن در مقیاس های مختلف و مسائل فرهنگی و اجتماعی آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. شهرها و کلان شهرها و استقرار آنها بین جریان های محلی شدن و جهانی شدن، حکومت و تقسیمات کشوری با توجه به تحولات اروپا، مباحث عمده این فصل هستند.

فصل ششم کتاب در ارتباط با بعد بین المللی دولت هاست. به عقیده ریچارد مویر جغرافیدانان سیاسی باید تلاش کنند تا روش هایی را که عوامل گوناگون فضایی مانند مکان، موقعیت، چهره زمین، فرهنگ و شیوه های فرهنگی بینش و تصمیم گیری بر روابط بین الملل تأثیر می گذارد و همچنین نحوه تاثیرگذاری عوامل سیاسی مانند قلمروخواهی، قدرت، ترس و نزاع بر